

تعریف یادداشت‌نویسی

«یادداشت / note»، کوتاه‌ترین قالب نوشتاری است؛ اگر «گزین‌گویه» را قالب به شمار نیاوریم. پس از یادداشت، «مقاله / essay» و پس از آن کتاب است. سابقهٔ مقاله‌نویسی به قرن شانزدهم میلادی می‌رسد و نخستین نوشتارهایی که در این قالب ظهور کردند، به قلم کسانی مانند مونتنی فرانسوی و فرانسیس بیکن انگلیسی (1561-1626) است؛ اما یادداشت‌نویسی، پیشینهٔ طولانی‌تری دارد؛ زیرا اکثر رساله‌های کوتاه علمی در گذشته‌های دور و نزدیک، شبیه همین قالب نوشتاری است.

اگر بخواهیم قالب‌های نوشتاری را با انواع شعر فارسی مقایسه کنیم، کتاب مانند قصیده یا مثنوی بلند است، مقاله مانند غزل، و یادداشت همچون

رباعی است. در یادداشت، نویسنده باید در زمینی کوچک، خانه‌ای بسازد که همهٔ بخش‌های یک سازهٔ مسکونی را دارا است. در کتاب یا مقاله، زمین بیشتری در اختیار نویسنده است. بنابراین در نقشه‌کشی برای پیشبرد مطالب دستش بازتر است و هر کاری می‌تواند بکند؛ اما یادداشت‌نویس مانند معماری است که باید در زمینی به مساحت 40 متر مربع، خانه‌ای بسازد که اتاق خواب و پذیرایی و آشپزخانه و سرویس بهداشتی و اندرونی و بیرونی داشته باشد.

تفاوت‌های یادداشت و مقاله را می‌توان در چند شاخص، خلاصه کرد:

ساختار یادداشت، باید هنری تر باشد تا بتواند به مقصود برسد؛ چنانکه زمین شما هر قدر کوچک تر باشد، باید در نقشه مهندسی ساختمان، هنرمندانه تر عمل کنید تا به آنچه می خواهید برسید.

ارجاعات مکرر به منابع در یادداشت، زائد است؛ بر خلاف مقاله و کتاب که بخش مهمی از اعتبار آنها، در تعداد منابعشان است. این تفاوت، از آنجا آب می خورد که محتوای یادداشت، از جنس «نکته» است و یادداشت نویسنده، نکته گو است؛ اما محتوای

مقاله، از نوع «مطلب» است و مقاله‌نویس، یا باید نظریه‌پرداز باشد یا در پرورش نظریه‌ای، مهارت و دانش کافی داشته باشد.

۳

یادداشت، به دلیل کوتاهی و نقشه‌مهندسی آن و نیز به دلیل محتوای نکته‌سنگانه‌اش، باید از ادبیاتی آوانگارد برخوردار باشد؛ یعنی مؤلفه‌های ادبی یا هنری یا سبکی آن، قوی‌تر باشد. بنابراین یادداشت‌نویسی، فقط از عهده کسانی برمی‌آید که افزون بر ذهن تحلیل‌گر، قلمی توانمندتر نیز دارند.

با ورود وبلاگ‌نویسی و سپس
 استاتوس‌نویسی در فیس‌بوک به جهان
 نوشتاری فارسی‌زبانان، یادداشت‌نویسی در
 ایران وارد مرحله‌ای تازه شد و در گروه‌های
 موبایلی، اوج گرفت. اما هنوز اکثر
 نویسندگان در این گروه‌ها، از یادداشت برای
 «مطلب» استفاده می‌کنند و نیز توانایی عبور
 از نثر معیار را ندارند؛ در حالی گروه‌های
 مجازی، مناسب یادداشت‌نویسی است و
 یادداشت، جای نکته‌گویی است نه شرح و
 بسط مطالب علمی. همچنین ادبیات
 یادداشت، باید فاصله‌اش را با نثر معیار، تا
 حدی حفظ کند. در واقع یادداشت‌نویس،

اجازه و امکان بیشتری برای دخالت دادن
خصلت‌های فردی خود در نوشتارش دارد.
بنابراین می‌توان «یادداشت» را شخصی‌ترین
قالب نوشتاری شمرد. ما به تعداد
مقاله‌نویسان، سبک ویژه نداریم؛ اما علی
القاعده باید به شمار یادداشت‌نویسان، سبک
یا شبه‌سبک داشته باشیم.

۵

خطای رایج در میان نویسندگان، این است که
گمان می‌کنند مقاله، بخشی از کتاب است و
یادداشت بخشی از یک مقاله. هرگز! یادداشت
و مقاله و کتاب، سه قالب با سه هویت و با سه
ساختار متفاوت است.

در یادداشت، حتی یک کلمه زائد، عیب محسوب می‌شود؛ اما در مقاله تا چند پاراگراف بیهوده هم بخشوده است.

شما از دوراه می‌توانید در یادداشت‌نویسی به مهارت برسید: یک. تأمل و درنگ در یادداشت‌هایی که یادداشت‌نویس‌های ماهر نوشته‌اند؛ دو. تأمل و درنگ در یادداشت‌هایی که یادداشت‌نویس‌های ماهر نوشته‌اند. یعنی در واقع یک راه بیشتر وجود ندارد.

آن مقدار که یادداشت به طنز و شوخی
نویسنده با خواننده نیاز دارد، مقاله و کتاب
ندارد.

در یادداشت، نویسنده نباید گارد معلمی یا
استادی بگیرد و حتی نباید خیلی جدی باشد؛
بلکه باید خشم و نفرت و عشق و هیجان و
دیگر حالات روحی و شخصی اش را - به
صورت کنترل شده - در نوشته اش بروز دهد.

شروع زیبا و پایان بندی استادانه در یادداشت،
 از اهمیتی فوق العاده برخوردار است؛ مثل
 رباعی که به واقع در مصرع چهارم به دنیا
 می آید؛ یعنی آغاز واقعی او در پایان او است.

تاریخ مصرف یادداشت ها زودتر از مقاله
 منقضی می شود؛ اما این عیب نیست؛ چون
 زمان اصلی برای انسان ها، زمان حال است.
 اگر یادداشت نویس، هوس ماندگاری در
 تاریخ دارد، باید در فرصتی فراخ، برخی
 یادداشت های خود را پرورده تر کند و در
 موضوع نیز سراغ مسائل عام تری برود.

شمار یادداشت‌نویسان حرفه‌ای در ایران، فعلاً کم، اما رو به افزونی است و با ورود هر یادداشت‌نویس به عرصه فرهنگ نوشتاری کشور، بخشی از قابلیت‌های این قالب نوشتاری مهم، کشف یا برجسته می‌شود.

رضا بابایی پس از یادداشت فوق، در مطلب دیگری نیز درباره یادداشت‌نویسی نوشت، که مطالعه آن برای آشنایی بیشتر با این قالب، خالی از لطف نیست:

چهارده نکته درباره یادداشت‌نویسی

۱

وظیفه‌ای که پاراگراف در مقاله و کتاب دارد، در یادداشت بر عهده جمله است؛ یعنی هر جمله‌ای در یادداشت، باید آن را یک قدم به جلو ببرد یا زمینه را برای پیشروی آماده کند.

۲

نویسندگان حرفه‌ای، به‌ویژه یادداشت‌نویسان، از همه وقت و هنر و توان خود استفاده می‌کنند که در ساده‌ترین و سراسرترین شکل ممکن بنویسند و چندان به زیبانویسی و حواشی دیگر نمی‌اندیشند؛ زیرا می‌دانند که

زیباترین جمله، ساده‌ترین جمله است.
آنان مخاطبان‌شان را نابغه‌هایی فرض می‌کنند
که چندان وقت و حوصله درنگ در جملات و
عبارات ندارند و می‌خواهند با نیم‌نگاهی که به
نوشته‌ای می‌اندازند، مقصود نویسنده را
دریابند و بگذرند. بنابراین هر جمله‌ای که
مفهوم‌گیری از آن نیازمند بازخوانی باشد، یک
امتیاز منفی برای آن یادداشت است؛ مگر
برای تأمل بیشتر در معنای عمیق جمله.
ساده‌نویسی، به دو شرط، بهترین شیوه
نویسندگی است:

- به اسلوب نوشتار پایبند باشد و به دام
گفتارنویسی مبتذل نیفتد؛

• سادگی در عبارت پردازی بهانه‌ای برای
سطحی نویسی و ابتذال علمی نشود.

۳

یادداشت نویسان حرفه‌ای تا به نکته‌ای یا
زاویه‌ای نو یا بیانی جدید برای مطلبی کهنه
دست نیابند، دست به سوی قلم نمی‌برند.

۴

صداقت، صراحت و صمیمیت، سه رکن
یادداشت نویسی است؛ زیرا هر چه قالب
نوشتار کوتاه‌تر باشد، فاصله نویسنده با
خواننده کمتر است؛ بنابراین به صمیمیت و
صداقت بیشتری نیاز است.

یادداشت، زنده‌ترین و به‌روزترین قالب نوشتاری است. تا می‌توان از این قالب نوشتاری باید در طرح مسائل فکری، فرهنگی و سیاسی روز استفاده کرد و بررسی‌های جامع علمی را به قالب‌های دیگر، مانند کتاب و مقاله سپرد.

در زمین بزرگ می‌توان خانه‌ای ساخت که از هیچ نقشه‌ای پیروی نمی‌کند؛ اما در زمین کوچک نمی‌توان. یادداشت هم به دلیل کوتاه بودن آن (نسبت به کتاب و مقاله)، بدون نقشه‌ای سنجیده و ظریف برای چینش و

پیشبرد مطالب، در واقع یادداشت نیست؛
بخشی از یک مقاله یا کتاب است.

۷

پیشروی نویسنده در یادداشت دو گونه است:
افقی؛ عمودی. در پیشروی افقی، نویسنده
نکته‌ای را شرح و بسط می‌دهد و میان قانون
و پیرامون در رفت‌وآمد است؛ اما در پیشروی
عمودی، نویسنده از قانونی به قانونی دیگر
می‌رود و به صورت پلکانی، یا از سطح به
اعماق می‌رسد یا برعکس. هر
یادداشت‌نویسی، در یکی از این دو روش
مهارت بیشتری دارد.

بر خلاف کتاب و مقاله، یادداشت نویسی باید پیوسته و در فاصله های کوتاه باشد؛ وگرنه رشته ارتباط میان نویسنده و خواننده پاره می شود. یادداشت نویس ها، بیش از نویسندگان کتاب و مقاله، به خواننده بالفعل نیاز دارند.

یادداشت را پیش از انتشار باید چندین بار خواند و ویرایش کرد و اگر ممکن بود، غلط گیری و ویرایش آن را به دیگری سپرد؛ زیرا خطا و غلط در یادداشت بیش از کتاب و مقاله به چشم می آید.

آن مقدار که یادداشت نویسی به مهارت در نویسندگی نیاز دارد، کتاب و مقاله ندارد. با نظر به تفاوت مؤلف و نویسنده،

یادداشت نویسی هنر نویسندگان حرفه‌ای است؛ اما هر محقق می‌تواند قلم تألیف به دست بگیرد و کتاب و مقاله بسازد؛ هرچند که در نویسندگی مهارت نداشته باشد.

در میان مهارت‌های نویسندگی، آنچه بیش از همه یادداشت را خواندنی می‌کند، غنای واژگانی است.

هیچ چیز به اندازه کلمات کم فایده و عباراتِ سزاوار حذف، یادداشت رازشست نمی کند؛ حتی اگر آن کلمات و عبارات زیبا باشند.

اگر نوشتن کتاب و مقاله نیاز به دانش فراوان دارد، یادداشت نویسی نیازمند ذهن نکته سنج و قلم نکته گو است.

یادداشت نویسی بر خلاف تألیف کتاب و مقاله، نه سود مادی (حق التألیف) دارد و نه اعتبار

علمی می آورد. بنابراین یادداشت نویسنده نباید
در بند نام و نام باشد.